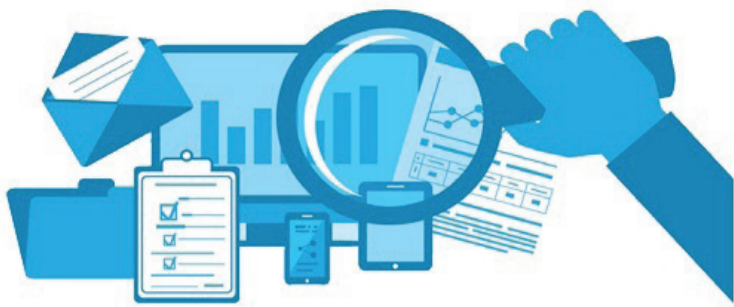


نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت‌ماندگار مطرح کردند:

مجلس نظارت می‌کند؟



عده‌ای بر این باورند که بی‌حاشیه بودن مجلس، نقطه مثبت آن است، زیرا اداره کشور با جنجال و هیاهو امکان‌پذیر نیست. از این رو به سراغ چند تن از نمایندگان مردم در خانه ملت رفتیم تا نظرات آن‌ها را در خصوص عملکرد دو ساله مجلس دهم جویا شویم. **۳۰۲**

علی شاملو - روزنامه نگار: اکنون دو سال از عمر مجلس دهم می‌گذرد و بسیاری از افراد به عملکرد بهارستان‌نشینان انتقاد دارند و معتقدند نمایندگان در برخی موضوعات کشور، منفعلانه عمل کردند و نتوانستند تأثیرگذاری لازم را در جامعه داشته باشند. از طرفی،

«مجلس از قدرت ابراز نظارتی خود آن طور که قانون به آن اجازه داده، استفاده نکرده است»

صاحب نظران در گفت‌وگو با آیت‌ماندگار مطرح کردند:
حمایت از کالای ایرانی با حرف عملیاتی نمی‌شود

تکاپوی کودکان کار
زندگی در دنیای بزرگ‌ترها

مخاطرات نابرابری اجتماعی
تعمیق فاصله طبقاتی



۳۰۲

۵۰۴

۵۰۴

آیا با خودمان دوست نباشیم چه می‌شود؟

حمایت از کالای ایرانی در گرو ارتقای کیفیت

Ayatemandegar
biweekly

محمدحسن سرائی
نویسنده



۸

بهرام پارسی
نماینده شیراز در مجلس دهم



www.ayatemandegar.ir

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۵۸ | نیمه دوم خرداد ۱۳۹۷ | سال چهارم | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | No.58 First of June 2018 | Political, Social

آیت‌ماندگار

راهکار اتحاد میان مردم و مسئولان:

بازسازی اعتماد

۳۰۲



سرمقاله

انسان متمدن بی‌اخلاق!



مهدی آینی
نماینده مجلس ششم

تاریخ زندگی بشریت همانند یک خط ممتد سیاه و تیره است که نقاط روشنی بر روی آن خودنمایی می‌کند. تیره‌گی‌ها و تاریکی‌های زندگی بشر از نقاط روشن آن به مراتب بیشتر است. بشر در طول تاریخ، همواره در جنگ و خونریزی و ظلم و بی‌عدالتی گذران کرده و تنها در برهه‌هایی کوتاه، نقاط روشن و نشانه‌هایی از زندگی نسبتاً مرفه، با عدالت و برابری را به خود دیده است. حال اگر این پیش‌فرض را قبول داشته باشیم که حتماً از نظر علمی، پژوهشی و آماری هم قابل اثبات است این سوال بزرگ همواره در پیش‌روی انسان خواهد بود که چرا تاریخ زندگی بشر پر از تراژدی و غم و اندوه است و تنها نقاط کمی از آن روشن و شادی‌بخش است؟

۸

در این شماره می‌خوانید:

نگاهی به سیاست‌های اخیر آمریکا

سیاه‌چاله ترامپ‌سیسم

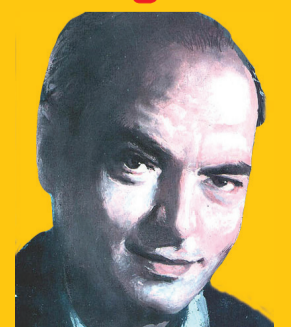
۷۰۶



گذری در زندگی دکتر شریعتی

هبوط در غربت

۸



oiooe

تفحصی



علی شالمو
روزنامه نگار

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت‌ماندگار مطرح کردند:

مجلس نظارت می‌کند؟

باشند. اما باید توجه داشته باشیم که ملاک در مجلس، اکثریت آراء است. مجموعاً در دو سال گذشته، روال کاری مجلس را در راستای حرکت به سوی رفع مشکلات در دو بحث اصلی یعنی نظارت و قانون‌گذاری دیدم، هرچند گاهی اوقات نتیجه اکثریت نسبی است که می‌گوید در آن لحظه چه تصمیمی گرفته شود.

میرزایی‌نیکو: تلاش‌های خوبی در مجلس صورت گرفت

هشت ماه از زمان مجلس دهم به برنامه ششم و بودجه ۹۶ و ۹۷ گذشت و قوانین خوبی هم تصویب و تدوین شد و نظارت بر این قوانین باید یکی از کارهای مجلس در آینده باشد. دومین مساله‌ای که به نظر من انجام شد، فشار و تحریک‌های نظارتی بر صندوق‌های اعتباری بود که

است. به هر حال مجلس مکانی است برای شور و مشورت و در واقع اکثریت نسبی هستند که هم در بحث‌های نظارتی و هم در مباحث قانون‌گذاری تعیین‌کننده می‌باشند. خیلی از قوانین در مجلس است که با یک یا دو رای اتفاق دیگری را رقم می‌زد و در خیلی از موارد هم شاید مردم نراضی باشند و انتظار دیگری را داشته

عملیاتی و در مقابل برخی اقدامات نادرست ایستادن است. **زرآبادی: حرکت به سوی رفع مشکلات** مجلس در دو سال گذشته چند بحث مهم را داشت، مثل: قانون برنامه توسعه و بودجه سال‌های ۹۶ و ۹۷، بحث تعیین کابینه و... اما در عملکرد مجلس در این دو سال کم و کاستی‌هایی هم وجود داشته

که تلاش برای قانون‌گذاری در این دوره کمتر از ادوار گذشته بوده ولی تلاش برای نظارت و برگزاری جلسات با بخش‌های خصوصی بیشتر از قبل صورت گرفته است. امیدوارم مجلس فعالیت خود را در خصوص هر چه بیشتر شدن نظارت، شدت ببخشد زیرا این موضوع فقط با برگزاری جلسه نیست، نظارت وارد شدن به صحنه

تا نظرات آن‌ها را در خصوص عملکرد دو ساله مجلس دهم جویا شویم. **محبوب: تلاش برای قانون‌گذاری کمتر از گذشته بوده است** عملکرد مجالس شورای اسلامی تقریباً مشابه به هم هستند و تفاوت‌ها زیاد نبوده و خیلی نمی‌توان عملکرد این مجالس را در مقام مقایسه قرار داد، اما باید بگوییم

اکنون دو سال از عمر مجلس دهم می‌گذرد و بسیاری از افراد به عملکرد بهارستان‌نشینان انتقاد دارند و معتقدند نمایندگان در برخی موضوعات کشور، منفعلانه عمل کردند و نتوانستند تاثیرگذاری لازم را در جامعه داشته باشند. از طرفی، عده‌ای بر این باورند که بی‌حاشیه بودن مجلس، نقطه مثبت آن است، زیرا اداره کشور با جنجال و هیاهو امکان‌پذیر نیست. از این‌رو به سراغ چند تن از نمایندگان مردم در خانه ملت رفتیم

تحقیق

راهکار اتحاد میان مردم و مسئولان:

بازسازی اعتماد



حربه‌های نظامی، اقتصادی، ترور و... استفاده کرده‌اند. با این حال مردم و مسئولان همواره در صف واحد و انسجامی مثال‌زدنی تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرده‌اند. امروز نیز شاهدیم که دشمن با استفاده از جنگ روانی و ارائه تصویری وارونه از حقایق و وقایع کشور درصدد آن است که مردم را مأیوس و ناامید کند. برخی نیز با بزرگ‌نمایی مشکلات دانسته یا نادانسته در زمینی بازی می‌کنند که منافع ملی ما را تأمین نمی‌کند.

بر این اساس همبستگی و همدلی ملی امری گریزناپذیر برای مقابله با رویکرد دشمنان است. باید از رفتارهایی که منجر افزایش اصطکاک‌ها، تمایزها و افتراق میان مردم و مسئولان می‌شود پرهیز کرد. در این میان احزاب و جریان‌های سیاسی از نقش برجسته‌تری برخوردارند به این معنی که باید منافع ملی را بر منافع حزبی

در شرایطی که دشمن با استفاده از جنگ روانی به دنبال ناامید کردن مردم و یاس‌آفرینی در جامعه است، تقویت انسجام و همبستگی ملی می‌تواند به مثابه سدی در برابر این ترفند دشمن باشد. پس از خروج آمریکا از برجام، نگرش‌های مختلفی در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی نسبت به این رویداد شکل گرفت و کارشناسان عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز با عینک خود به تحلیل و ارزیابی آن پرداختند.

مثلث ترامپ، نتانیاهو و عربستان با تمام توان در برابر مردم ایران قرار گرفته و برانند تا با انواع دسیسه‌ها نظام جمهوری اسلامی را دچار بحران نمایند و میان مردم و حاکمیت فاصله بیاندازند. البته این نخستین باری نیست که دشمنان نظام اسلامی دست به تقابل با کشورمان می‌زنند؛ پیش از این نیز آن‌ها از تمام

زودگذر ترجیح داده تا حواشی جای متن را نگیرد؛ زیرا در این صورت منافع ملی مورد غفلت واقع می‌شود که خود آسیب بزرگی به کشور وارد خواهد کرد. در واقع دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات نبوده و نیازمند همکاری و همدلی جریان‌های سیاسی مقابل است. این مساله نیز مستلزم تغییر نگاه و رویکردهای جریان‌های سیاسی نسبت به مسائل کشور و حرکت در جهت تأمین منافع ملی است. نگاه واقع‌گرایانه در عرصه سیاسی و توجه به مصلحت‌ها در میدان سیاست نیازمند توجه به این نکته است که ما همه دارای سرنوشت مشترک هستیم و منافع ملی همچون کشتی است که ما مسافران آنیم و محافظت از این کشتی بقای ما را تأمین می‌کند. از این‌رو فهم شرایط می‌تواند راهگشای مهمی در عرصه ملی و برای تأمین منافع ملی باشد. این که در برخی زمینه‌ها دارای کاستی‌ها و

پیشرفت کشور را هموار می‌سازد. مردم نشان داده‌اند که در بزنگاه‌های تاریخی همیشه در صحنه بوده‌اند و نظام سیاسی را تنها نگذاشته‌اند. این مساله نیز ریشه در اعتمادی بوده که میان مردم و حاکمیت وجود داشته است. بر این اساس باید این

البته برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب از نظر سطح اعتماد عمومی متقابل باید شاخصه‌هایی چون صداقت، شفافیت و احترام متقابل مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تقویت اعتماد میان مردم و حاکمیت، جامعه را در برابر آسیب‌ها بیمه کرده و راه توسعه و

مشکلاتی هستیم قابل کتمان نیست اما نمی‌توان چنین مساله‌ای را به همه امور تعمیم داد؛ زیرا با تعمیم دادن مشکلات به همه امور، تنها بخشی از واقعیت دیده می‌شود و حقیقت به صورت کامل متجلی نمی‌شود.

صاحب‌نظران در گفت‌وگو با آیت‌ماندگار مطرح کردند:

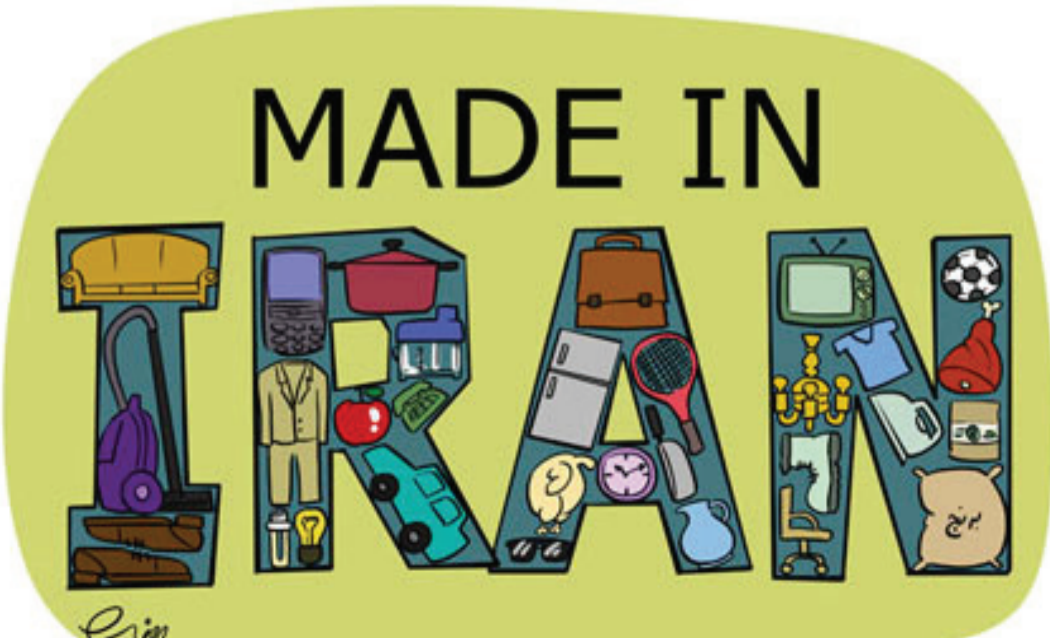
حمایت از کالای ایرانی با حرف عملیاتی نمی‌شود

بیش از پیش شود. مدیران ارشد نظام در سال ۹۷ وظیفه سنگینی را به عهده دارند زیرا آن‌ها باید بستری را فراهم کنند تا بطور واقعی حمایت از کالای ایرانی رقم بخورد. تحقق چنین مطالبه‌ای تنها با حرف عملیاتی نمی‌شود و نیاز است کمبود موجود در زیرساخت‌ها و یا حتی نقص قوانینی که در این راستا به چشم می‌خورد حل و فصل شود. مسئولان کشور باید تاثیر حمایت از کالای ایرانی را به درستی برای مردم تبیین کنند تا در سال‌های بعد هم شاهد این حمایت از سوی مردم باشیم. باید حمایت از کالای ساخت داخل به عنوان یک فرهنگ در جامعه دربیاید و مردم کاملاً حس کنند که این توجه، منجر به رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشور خواهد شد.

علوی در پایان خاطرنشان کرد: یکی از نکات با اهمیتی که مسئولان باید به آن توجه کنند این است که استراتژی و راهبرد تحقق شعار سال، واحد است، یعنی نمی‌توان برداشت‌های مختلفی از این موضوع داشت زیرا اگر قرار باشد هر فردی یک برداشت و یک استراتژی خاصی را دنبال کند دیگر نمی‌توان امیدی به رسیدن هدف داشت. متأسفانه این روند در سال‌های گذشته دیده شد و موازی‌کاری‌هایی که در این راستا صورت گرفت و باعث شد تا حدودی

تحقق آن بیشتر متوجه مدیران ارشد نظام است زیرا آن‌ها مسئول تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور هستند. وی در ادامه افزود: باید به این نکته توجه داشت که این نام‌گذاری‌ها به هم پیوسته هستند؛ بطور مثال، سالی به نام اقتصاد مقاومتی نام‌گذاری شد و سال بعد این شعار جای خود را به شعاری دیگر داد این بدان معنی نیست که اقتصاد مقاومتی تمام شد بلکه باید آن روش و منش با شعار سال بعد تلفیق شود.

اگر امسال به عنوان سال حمایت از کالای ایرانی نام‌گذاری شده یعنی همه باید تلاش کنند تا این حمایت که به تبع آن رونق اقتصادی را در پی خواهد داشت بوقوع بپیوندند و در سال‌های بعد هم این مسیر ادامه پیدا کند. نماینده لامرد و مهر تصریح کرد: انتخاب شعار سال تاکید و اصرار بر آن موضوع خاص دارد و بیشتر یک تلنگر به همه افراد است که تلاش در آن بخش،



نگاه

فارغ از نام‌گذاری شعار سال ۹۷ با عنوان «حمایت از کالای ایرانی» که از سوی مقام معظم رهبری انتخاب شد، بارها و بارها مطالبی در خصوص پایبندی به این شعار را شنیده بودیم. بی‌تردید تصمیم رهبر انقلاب برای انتخاب این شعار، ریشه در رشد و بالندگی اقتصاد کشور و به تبع آن رفع بیکاری در جامعه دارد. صحبت از حمایت از کالای ایرانی، حرف جدیدی نیست اما بیان آن از سوی مقام معظم رهبری، تلنگری به افرادی است که مدتهاست از این موضوع غافل بودند. اکنون و با وضعیت اقتصادی که کشور دارد، لزوم حمایت از تولید داخل بیش از هر زمان دیگری حس می‌شود و باید دانست، تحقق این شعار حیاتی در گرو داشتن دغدغه هر روزه این موضوع است.

سیدمحسن علوی: مسئولان باید تاثیر حمایت از کالای ایرانی را به درستی برای مردم تبیین کنند

سیدمحسن علوی، نماینده لامرد و مهر در مجلس شورای اسلامی در خصوص انتخاب شعار سال ۹۷، گفت: نام‌گذاری هر سال از سوی مقام معظم رهبری این ویژگی را دارد که یک انسجام ملی را حول محور یک شعار ملی شکل می‌دهد. هرچند شعار هر سال خطاب به همه مردم است اما تاکید بر



انتظاراتی که آن‌ها از نمایندگان دارند باید با جدیت مطالبات و برنامه‌های مصوب مجلس را پیگیری کنیم. باید برنامه‌های مدونی شده‌ای را برای پیگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم و باید بررسی کنیم که تا چه اندازه وزارتخانه‌های ذیربط توانستند آن برنامه‌ها را طی یکسال عملیاتی کنند. همه نمایندگان و همکاران من در مجلس، هم در عرصه قانون‌گذاری و هم در پیگیری لویحی که از سوی دولت به مجلس می‌آید نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند و امیدوارم در آینده بتوانیم نظارت بیشتری به اجرای اموراتی که به نمایندگان مربوط می‌شود را داشته باشیم تا در ادامه، رضایت حداکثری برای مردم ایجاد شود، زیرا ملاک کار مسئولین باید منافع مردم باشد.

کشور وجود دارد نبود یا کمبود قانون نیست، مشکل اجرای قانون است. مثلاً در مورد همین شهرداری تهران تصویب شد که دو میلیارد دلار جهت بدهی دولت که به حساب شهرداری واریز نشده بود برای تأمین هزینه ساخت یا رفع آلودگی هوا از حساب‌های ذخیره به آن‌ها پرداخت شود اما نمی‌دانم بالاخره این مبلغ پرداخت شد یا نه؟ متأسفانه باید بگویم که مجلس از قدرت ابراز نظارتی خود آن‌طور که قانون به آن اجازه داده، استفاده نکرده است. نمایندگان مجلس در دو سال گذشته با جدیت و شور و نشاط خاصی بودجه‌های سال ۹۶ و ۹۷ و برنامه ششم توسعه را تصویب کردند و با اراده زیادی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شرکت کردند. با توجه به مطالبات مردم و

این نیز یکی از موارد خوب و مهمی بود که به انجام رسید. تلاشی که مجموعه نمایندگان در انتخابات شوراها انجام دادند و به عنوان نمایندگان استانی شورای نظارت بر انتخابات حضور جدی داشتند هم، بخشی دیگر از کارهای انجام شده مجلس بود ولی هر یک از این موارد، شاخصه‌های خود را دارد و باید دید در انجام این کارها چه نواقصی وجود داشته تا در آینده به نحوی بهتر کارها را به سرانجام برسانیم.

باتوجه لاهوتی: ضعف مجلس در نظارت مشهود است

عملکرد مجلس در این دو سال خوب بوده است. هم در زمینه قانون‌گذاری و هم در زمینه تصویب بودجه روند مثبتی دنبال شد، اما ضعف مجلس در موضوع نظارت مشهود است. مهمترین مشکلی که در



به انتظارات، انعکاس مطالبات و... تبدیل شده‌اند.

سخنی به گزاف نیست اگر بگویم رسانه اکنون به تاثیرگذارترین عامل اثرگذار بر رفتار و افکار شهروندان تبدیل شده است. در رسانه واقعیت به گونه‌ای ناهمسان با واقعیات عینی تصویرسازی می‌شود و در بهترین حالت رسانه تصویری از واقعیت و نه خود آن را بازتاب می‌دهد؛ تصویری که کادر بندی، شفافیت، اتحنا یا راستی و در نهایت رنگ بندی آن را سیستم عاملی متشکل از اهداف و سیاست‌های رسانه شکل می‌دهد. با این حل گاه اتفاق می‌افتد که تصویر مطلوب و مورد نظر از سوی رسانه با آنچه بر ذهن مخاطب می‌نشیند و به رفتارهایش جهت می‌دهد یکسان نیست. به عنوان مثال طی روزهای اخیر حجم قابل توجهی از محتوای تولید شده در فضای مجازی به چاره جویی مسوولان در زمینه تثبیت وضعیت روانی حاکم بر بازار معطوف شد اما در عمل با گسترش جو عدم اطمینان، زمینه ساز برخی رفتارهای واکنشی شد.

روانی جامعه اثرگذار خواهد شد. نوسانات بهای ارز، طلا، مسکن و خودرو در روزهای اخیر از مهمترین موضوعاتی است که در رسانه‌های مجازی حجم وسیعی از تولیدات خبری به آن اختصاص یافته و تحلیل‌هایی نیز درباره آن ارائه شده است. این رسانه‌ها همیا با رادیو و تلویزیون، مطبوعات و خبرگزاری‌های استخوان دار رسمی در روزهایی که بسیاری سمت و سوی نوسانات مزبور را رصد می‌کردند و اخباری چون دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی را پوشش داده و همزمان چشم اندازهایی درباره فرجام توافق هسته‌ای و تقابل تهران-واشنگتن، بحران آب و فرایندهای سیاسی، اجتماعی و معیشتی در کشور را به تصویر کشیدند. نکته قابل تأمل این که رسانه‌های مجازی این روزها با وجود ایجاد محدودیت‌هایی برای فعالیت از طریق پیام رسان‌های خارجی، همچنان از طریق سایر نسخه‌های برخط و متعارف با گروهی با دور زدن محدودیت‌های قانونی به تولید محتوا و پاسخ به نیاز خبری مخاطبان می‌پردازند. این رسانه‌ها به دلیل گستره وسیع انتشار هر کدام بسته به شمار بازدیدکنندگان، میزان نفوذ و اعتبار و همچنین وضعیت مرجعیت خبری و تحلیلی برای مخاطبان، از حالت ابزار گونگی درآمده و به کنشگرانی تاثیرگذار در تجویز سیاست، تعریف و جهت دهی

اعتماد تقویت شود و سرمایه‌های اجتماعی قدر دانسته شوند. البته نمی‌توان نقش رسانه‌های داخلی را در تقویت همبستگی و انسجام ملی نادیده انگاشت، به ویژه این که رسانه‌های معاند تلاش می‌کنند با ایجاد ناامیدی در میان مردم بر اقدامات هیجانی دامن بزنند و وضعیت اقتصادی را نابسامان جلوه دهند. از طرف دیگر نیز مردم با حفظ آرامش و دوری گزیدن از اقدامات هیجانی، می‌توانند مانع ایجاد التهاب‌های مالی و نوسان بازار شوند. سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار با تقویت حس همبستگی و اعتماد میان همه گروه‌های سیاسی محقق می‌شود؛ زیرا اگر در رقابت‌های سیاسی تخریب جای نقدهای سازنده را بگیرد، مهم‌ترین آسیبی که به اقتصاد وارد می‌شود کاهش سرمایه‌گذاری و گسترش رکود خواهد بود.

از این رو انسجام و وفای ملی یکی از ضروریات مهم و اصلی کشورها به شمار می‌آید و هر جامعه‌ای برای رویارویی با تهدیدهای بیرونی و چالش‌های درونی، ناگزیر از حرکت به سوی انسجام و وحدت

است.

نیش‌ونوش رسانه برای امنیت روانی جامعه پیامد انعکاس معضلات کشور و ترسیم بحران‌های محتمل در حوزه‌های گوناگون بسته به نحوه تولید محتوا، انتقال آن و نیز رویکردهای تجویزگرانه رسانه بر امنیت

دولتی و اظهار نظر معدودی از کارشناسان و صاحب‌نظران محدود می‌شود. آنچه مشخص است رسانه از طریق ایجاد تعادل بین انتظارات و توانمندی‌های موجود در کشور، تصویرسازی نزدیک به واقعیت از کارویژه و عملکرد دستگاه‌های مسئول، جلب اعتماد و مشارکت مردمی می‌تواند از بروز بحران یا تشدید آن جلوگیری کند حال آنکه بی توجهی به مدیریت هوشمند و کارکردهای تجویزی نتیجه‌ای معکوس را رقم خواهد زد.

انتظارات و راهکارها، ناخودآگاه از طریق پراکندن بذرنامیدی، انبان سرمایه اجتماعی را تهی ساخته و منجر به پیچیده‌تر شدن چالش‌ها، تبدیل آن به بحران و سپس تعمیق بحران‌ها گردد. نکته دیگری که در مورد موضوعات روز جامعه ضعف آن احساس می‌شود انتقال آموزش، تجویز الگوهای بهینه و انذار درباره پیامدهای رفتار نامعقول و التهاب زده به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و مدنی است که تنها به بازتاب اظهارات شماری از مقامات

فرهنگ ارتباطات جمعی و دستیابی به اخبار و ارتباطات زمینه ساز جولان طیفی از رسانه‌های غیرمسئول شده و نتیجه آن در التهاب روانی و رفتارهای واکنشی، شتابزده و زیان آور برخی از شهروندان ظاهر شده است. در زمینه‌هایی چون بحران آب، معضلات اجتماعی مانند کار کودکان و تعدی به حریم آنان، وضعیت معیشتی جامعه، آینده روابط خارجی کشور و... نبود مدیریت هوشمند سبب شده رسانه به جای خبررسانی و نیز جذب، جمع و بیان



سوی دولت به تولیدکنندگان ارائه می‌شود با نرخ سود ۲۰ درصد یا ۱۸ درصد است. به طور مثال تولیدکننده‌ای ۳ میلیارد تومان وام گرفته و با این روند تسهیلات، بازپرداخت این وام به ۱۰ میلیارد رسیده است.

این روال با هیچ عرف اقتصادی سازگاری ندارد، پس دولت باید برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی نرخ سود را پایین بیاورد. وقتی نرخ سود تسهیلات تا این اندازه بالا باشد کیفیت محصول پایین می‌آید. ۳- مواد اولیه، برخی از کارخانه‌های ما مواد اولیه را گران وارد کشور می‌کنند. نیاز است در این بخش و در مذاکراتی که دستگاه دیپلماسی کشور به آن ورود پیدا کرده این موضوع را هم در دستور گفت‌وگوهای بین‌المللی خود قرار دهند.

داداشی در ادامه در خصوص حمایت از صنعت خودروسازی داخلی، افزود: راه پیشرفت در صنعت خودروسازی این است که باید میدان رقابت باز شود. اگر این تفکر تبدیل به فرهنگ شود آنگاه با ارتقای محصولات خودروی داخلی مواجه خواهیم شد. تنوع محصولات و خدمات پس از فروش را هم در پیشرفت این حوزه موثر می‌دانم اما معتقدم زمانی تنوع و خدمات خود را نشان خواهد داد که فضای رقابتی وجود داشته باشد.

از مسیر اصلی خارج شویم. امید است در سال ۹۷ همه مسئولان و مردم یک هدف و استراتژی واحدی را برای تحقق شعار سال در پیش بگیرند تا در پایان سال با سربلندی از دستاوردهای آن نام ببریم. با شرایط سخت معیشتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند لازم و ضروری است که سیاست واحدی دنبال شود و از هرگونه موازی کاری و اختلاف نظرهایی که می‌تواند افراد را مقابل هم قرار دهد پرهیز کنیم زیرا افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم یک اصل مهم در نظام است.

ولی داداشی:

باز کردن میدان رقابت، راهی برای پیشرفت در صنعت خودروسازی

ولی داداشی، نماینده آستارا در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به اینکه سال ۹۷ به نام سال حمایت از کالای ایرانی نام‌گذاری شده و برای رسیدن به این هدف چه باید کرد، گفت: در موضوع حمایت از کالای ایرانی، دولت باید به چند نکته توجه کند: ۱- فرهنگ‌سازی از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و رسانه‌های مرتبط با آن. در این زمینه نقش صدا و سیما بسیار کلیدی است که می‌تواند به طور ویژه به کمک دولت بیاید. ۲- حمایت همه جانبه از تولیدکنندگان داخلی در بخش تسهیلات. امروز تسهیلاتی که از

مخاطرات نابرابری اجتماعی

تعمیق فاصله طبقاتی

ذهنی نابرابری نسبت به خود و دیگران را از بین برند، شاهد فساد اداری و مالی گسترده خواهیم بود. رانت، رشوه و زیرمیزی مفاهیمی هستند که در این فضا سربرآورده و رفته رفته به چارچوب نظام‌های مختلف رخنه می‌کند. وجود تفاوت‌های دائمی در قدرت خرید کالا و خدمات و دسترس به برخی امکانات در اقشار ویژه شکاف اجتماعی گسترده‌ای میان افراد جامعه ایجاد می‌کند. افراد نسبت به موقعیت و داشته‌های دیگران به دیده تردید می‌نگازند و گمان می‌برند که ثروت و دارایی افراد طبقه بالا از طریق رانت و به شکل غیرقانونی به دست آمده است.

در این شرایط افراد با خشم و کینه به یکدیگر نگریند و می‌پندارند که موقعیت و جایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی رده بالا به شکل یکسان و عادلانه میان افراد جامعه توزیع نمی‌گردد. گسترش فقر و شکاف طبقاتی دیگر حاصل تعمیق نابرابری‌ها در جامعه است. آنجا که اقشار متوسط و بالا دسترسی به انواع امکانات شغلی، مالی و رفاهی داشته و اقشار ضعیف و کم درآمد به واسطه سطح سواد پایین و زندگی در مناطق پایین و حاشیه‌ای از رفاه اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردار می‌شوند، نوعی شکاف در روابط اجتماعی به وجود می‌آید که افزایش آن تیشه‌ای بر وحدت و روابط جمعی است.

توزیع نامناسب سرانه‌های خدماتی رفاهی در کلانشهرها یا استان‌های گوناگون احساس نابرابری را میان شهروندان تقویت می‌کند.

تقویت احساس نابرابری اجتماعی میان اعضای یک جامعه به ترویج خشونت و تضاد در جامعه منجر خواهد شد. دیگر



است. همه به دنبال دست یافتن به منابع پول و قدرت هستند؛ خواه این فرصت از طریق رانت و قانون شکنی به دست آید خواه در سیر طبیعی و با تلاش و ارتقای سطح دانش فرد. در جامعه‌ای که افراد به هرچه چنگ می‌زنند تا احساس

در چنین شرایطی افراد از جایگاه و منزلت خود راضی نبوده و تغییر وضع را خواستار هستند.

هیچ یک از افراد جامعه موقعیت موجود خود را برنناخته و به دنبال تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی خود به هر قیمتی

واقعی دارد. چرا که ابعاد وسیع‌تری داشته و یک به یک به افراد جامعه سرایت خواهد کرد.

تعاریف نابرابری‌های اجتماعی در نظریه‌های این حوزه متفاوت است اما آنچه جامعه‌شناسان بر آن وفای دارند این است

وجود برخی نابرابری‌ها در جامعه ایران، بیش از آنچه افراد را از نابرابری واقعی موجود آزرده خاطر سازد، احساس و ادراک ذهنی نابرابری را تقویت کرده است. احساس ذهنی نابرابری اثرات به مراتب مخرب‌تری نسبت به نابرابری

شکل می‌گیرد. در این شرایط، افراد در ارزیابی‌های گوناگون قرار گرفته و قشربندی‌ها شکل می‌یابد. وجود تفاوت‌های دائمی در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و شغلی مفهوم نابرابری را در جامعه گسترش داده و شرایط نامتعادلی و به دور از عدالت و انصاف در برخورداری از امکانات شهری، رفاهی، آموزشی را در جامعه ایجاد می‌کند. نابرابری به طور کلی در دو مفهوم نابرابری واقعی و احساس ذهنی نابرابری

پرسی

نابرابری اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که افراد یک جامعه از موقعیت‌های برابر در دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی برخوردار نیستند؛ گروه خاصی راه کوتاهی برای رسیدن به پیشرفت و موفقیت پیش رو دارند اما برخی برای رسیدن به همان اهداف باید راه طولانی‌تر و تلاش مضاعفی صرف کنند.

نابرابری اجتماعی و تعمیق فاصله طبقاتی از آفت‌های در کمین جوامع به ویژه جوامع در حال توسعه به شمار می‌رود. عمیق‌تر شدن نابرابری‌ها در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، علمی و حتی سیاسی، عدالت و برابری فرصت‌ها در دسترسی افراد جامعه به منابع ارزشمند و موقعیت‌های برتر را از بین می‌برد و افراد و گروه‌ها نسبت به درجه بندی و نزدیکی یا دوری به منابع ثروت و قدرت به امکانات دست می‌یابند.

در این شرایط، افراد در ارزیابی‌های گوناگون قرار گرفته و قشربندی‌ها شکل می‌یابد. وجود تفاوت‌های دائمی در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و شغلی مفهوم نابرابری را در جامعه گسترش داده و شرایط نامتعادلی و به دور از عدالت و انصاف در برخورداری از امکانات شهری، رفاهی، آموزشی را در جامعه ایجاد می‌کند. نابرابری به طور کلی در دو مفهوم نابرابری واقعی و احساس ذهنی نابرابری شکل می‌گیرد.

وجود برخی نابرابری‌ها در جامعه ایران، بیش از آنچه افراد را از نابرابری واقعی موجود آزرده خاطر سازد، احساس و ادراک ذهنی نابرابری را تقویت کرده است. احساس ذهنی نابرابری اثرات به مراتب مخرب‌تری نسبت به نابرابری

فرضیه

نه تیرگی شب، نه سوز سرما و نه آفتاب سوزان و شرجی هیچکدام مانعی برای حضور و تکاپویشان در دنیای بزرگ‌ترها نیست، کودکانی که نه در جستجوی زندگی بهتر که در تلاش برای زنده ماندن هستند.

چند روز قبل، اخبار روز مبارزه با کار کودکان را اعلام می‌کرد، خاطره شبی سرد و بارانی زمستان برایم زنده شد که به اجبار برای انجام کاری در یکی از خیابان‌های پرتردد شهر رشت، ماشین را مامنی برای انتظار قراردادم و برای نفوذ کمتر سرما با روشن کردن بخاری، اطراف را به نظاره نشستم؛ آن شب کودکی که همیشه در مسیرترددم به همراه دیگر کودکان موسوم به کودکان کار مرا آماج تقاضا برای خرید وسایل دستشان قرار می‌داد، تنهایی دست به دامان رهگذران شده بود.

اکنون فرصتی دست داده بود تا وضعیت ظاهری و رفتارهای او را بیشتر رصد کنم؛ لباس‌های مندرس و رنگ باخته، ریزدانه‌های باران چون شبنم بر برگ، موهایش را خیسانده بود، سرما چون تازیانه‌ای اثرات خود را با سرخی نوک بینی، گوش‌ها و پاهای برهنه در دمپایی‌هایش گذاشته بود؛ و گرچه دست‌ها و صورت کودکش بر اثر قرار گرفتن در سرما، گلگون و خالی از لطافت و شادابی شده بود، همچنان برای کسب درآمد اینهمه را نادیده می‌گرفت.

در همان حال؛ آمال و آرزوهای کودکانه‌ای که در غبار زمانه از چهره‌اش محو شده بود، با برقی در چشمانش هویدا گشت و گلخندی صورتش را شکوفان کرد؛ نگاهش به کودکی خیره شد که ماشین اسباب بازی پیشرفته‌اش را که انعکاس و تلالو نور مفازه‌ها و خیابان‌ها جلوه‌ای دگر به آن بخشیده بود، بالا و پایین می‌برد و با انرژوی تمام با مادرش صحبت می‌کرد،



تکاپوی کودکان کار

زندگی در دنیای بزرگ‌ترها

آن‌ها بدون توجه به سرعت خودروها در جلوی ماشین‌ها قرار گرفتند و صدای ترمزهای بلند و طولانی بیش از هر چیز مرا نگران می‌کرد.

کودکان کار همچون گلهایی با ساقه‌های نازک با ورود به محیط‌های خشن اجتماع عملاً در معرض توفان انواع آسیب‌ها، تهدیدها، بیماری‌ها و سوء استفاده‌ها همچون باندهای مواد مخدر قرار می‌گیرند و به راحتی می‌شکنند و پریر می‌شوند.

کودکان کار طبق تعریف پیمان نامه جهانی حقوق کودک، تمام افراد زیر ۱۸ سالی را که کار می‌کنند، شامل می‌شود، اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کودک کمتر از ۱۵ سال عنوان شده است.

یک کارشناس اجتماعی، پدیده کودکان کار و خیابانی را یکی از آسیب‌های اجتماعی دانست که نه تنها بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه جامعه هستند در معرض انواع آسیب قرار داده بلکه جامعه را نیز با زبان‌های فراوانی روبرو ساخته است.

ملوک سعیدی کودکان کار را از خیابانی متفاوت دانست و افزود: کودکان کار دارای خانواده هستند و کودکان خیابانی خانواده ندارند و یا دارای سرپرستی هستند که به دلیل خاصی قادر به انجام کار نیستند این افراد تحت پوشش بهزیستی قرار می‌گیرند.

وی اظهار کرد: در همین راستا برای حمایت اجتماعی و رسیدگی به وضعیت این کودکان، مراکز ساماندهی تأسیس شده که افراد آسیب دیده اجتماعی را پس از پذیرش و احیانا نگهداری موقت در مرکز به خانواده و یا در صورت عدم پذیرش خانواده به سایر مراکز زیر مجموعه خود ارجاع می‌دهد.

آدامسی به او دادم، به میزان پرداخت وجه، آدامس در دستم انداخت و در حالی که دور می‌شد گفت: خاله من تا این آدامس‌ها را تمام نکنم، نمی‌توانم منزل بروم در چنین لحظه‌ای یکی از کودکان با اشاره به مرد سیاهپوش موتورسوار فریاد برآورد، فرار کنید، ماموران آمدند و همگی آن‌ها گریزان در حالی که دو سه نفر از

به امرار معاش خانواده و به ویژه برای هزینه تحصیلشان بود که ناگهان یکی از آن‌ها که بزرگ‌تر می‌نمود، گفت: خاله می‌خواهم منزل، موبایل و ماشین داشته باشم، دوست دارم همه چیز داشته باشم.

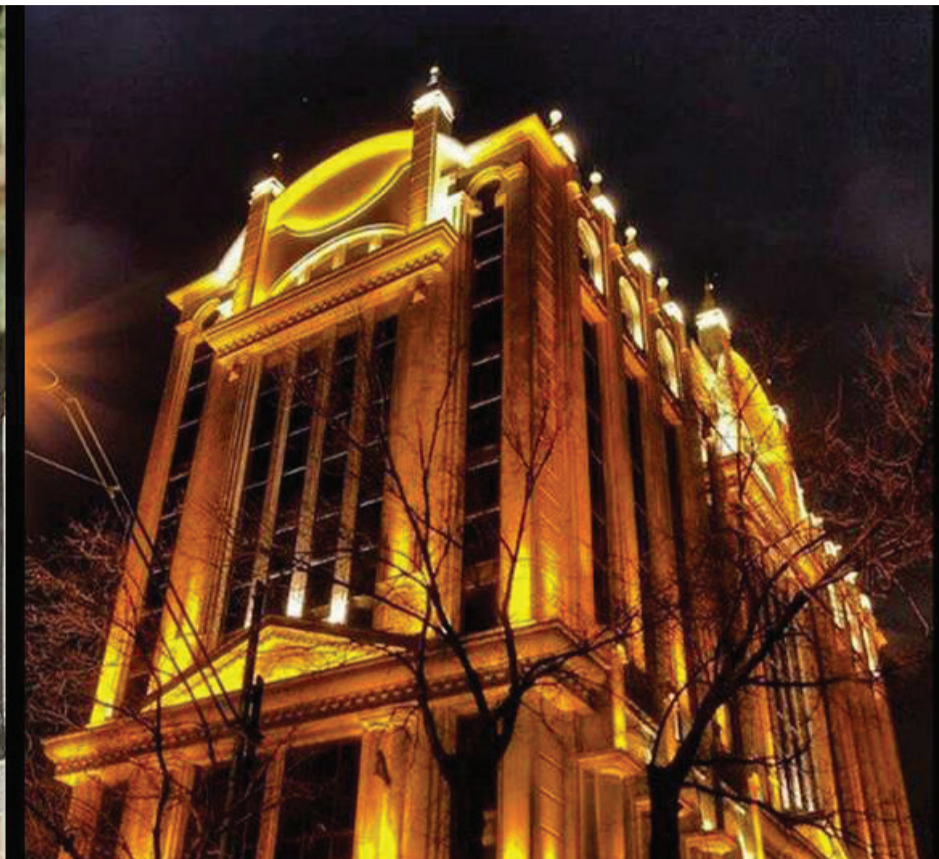
کودکی نیز به زور اصرار داشت، چندین بسته از آدامس‌هایش را بخرم و وقتی پولی را به عنوان کمک بدون پذیرش

پاسی از شب در خیابان‌ها می‌ماند، پدرش هر چندین ساعت می‌آید و پول‌های او را می‌گیرد و می‌رود. تاکنون چندین بار ماموران او را به بهزیستی برده‌اند و هر دفعه او از آنجا فرار کرده است.

در پاسخ به سؤال‌هایم در خصوص چرایی کار در این سن و سال از عده‌ای از آنان دریافتم انگیزه کار بیشترشان کمک

با رفتنشان فروغ چشم‌هایش خاموش شد، با نگاهی به برگه‌های دعای دستش، آهی کشید و چهره برافروخت؛ گویا دنیایش را متفاوت یافت؛ دنیایی که کودکان‌ها جایی برای او نداشت و ...

امید ۱۱ ساله مدرسه نرفته است، پدر و مادر معتادی دارد، از حدود ظهر در مسیرهای خاصی حاضر می‌شود و تا



میان افراد وفاق و انسجام اجتماعی رنگ باخته و جای خود را به نفاق و دشمنی می‌دهد. نوعی از خشم ناشی از تفاوت در افراد شکل خواهد گرفت که بر پیوندهای اجتماعی اثرگذار خواهد بود و باعث گسست روابط فردی و جمعی خواهد شد. انسجام و نظم اجتماعی در چنین وضعیتی دچار خدشه شده و جای خود را به بی اعتمادی عمومی می‌دهد. اعتماد عمومی جزو اصلی‌ترین سرمایه‌های هر جامعه به شمار می‌رود که شامل دو بعد اعتماد افراد به یکدیگر و اعتماد مردم به حکومت و دولت‌ها است. کاهش این مؤلفه جامعه را از معیارهای توسعه یافتگی دور ساخته و سلامت یا بهزیستی اجتماعی را در معرض خطر قرار می‌دهد. کاهش اعتماد عمومی منجر به افزایش ناامیدی در جامعه خواهد شد.

از آنجایی که افراد به دست آوردن موقعیت‌ها را در نتیجه تلاش و دانش عالی تصور نمی‌کنند و این احساس ذهنی که پشت هر انسان موفق رانت و پارتی نهفته است، دیگر خود را ملزم به ارتقای سطح دانش و آگاهی نمی‌بینند. احساس ناامیدی رشد یافته‌ای که در اثر شکاف اجتماعی ایجاد شده، جوامع را به سوی سرگردانی، انفعال و سرخوردگی سوق می‌دهد.

کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز از دیگر آثار تعمیق نابرابری‌های اجتماعی است. افراد به نوعی از مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی خود گریز کرده و بازخوردهای چنین رفتارهایی در قالب رفتارهای هنجارشکنانه یا قانون گریز نمود می‌یابد. آنان دیگر خود را سهام در تعیین سرنوشت کشور ندانسته و از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی فاصله می‌گیرند. بی تفاوتی نسبت به آینده و

گسست روابط اجتماعی، هویت‌های فردی و ملی را به محاق برده و افراد را در شرایط سرگردانی قرار می‌دهد. این در حالی است که مؤلفه‌هایی چون مقبولیت و مشروعیت در ارتباط مستقیمی با مشارکت و اعتماد عمومی قرار دارند.

نابرابری اجتماعی شاید در نگاه نخست، مؤلفه‌ای کم اهمیت در ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی جلوه کند اما اثرات آن از آنجا که لایه‌های پایینی جامعه را گرفتار خود ساخته و رفته رفته به سایر اقشار نیز سرایت می‌کند، مساله ای مهم در ساختارهای توزیع فرصت‌ها و عدالت

در دسترسی به آن‌ها به نظر می‌آید. نابرابری اجتماعی به طور مستقیم بر روابط اجتماعی سایه افکنده و جامعه را به سوی بی اعتمادی، انزوا و بی قانونی سوق می‌دهد؛ بنابراین، نخستین تلاش برنامه ریزان و سیاستگذاران باید برقراری عدالت در فرصت‌های شغلی، آموزشی، رفاهی و تفریحی برای همه شهروندان باشد در غیر این صورت روز به روز بر شکاف‌های حاصل از نابرابری‌ها در جامعه افزوده خواهد شد.

نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در طول ۴۰ سال

منتهی به سال ۱۳۸۷ در سال ۱۳۵۴ یعنی سه سال پیش از وقوع انقلاب، بالاترین حد خود یعنی ۳۳،۷۵ را به ثبت رسانده است. بنابر آمار رسمی بانک مرکزی، نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین افراد در مناطق شهری کشور، در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ ابتدا از حدود ۱۹،۶ تا ۳۳،۷۵ صعود کرده و سپس در سال ۵۷ بار دیگر به حدود ۱۹،۶ بازگشته است. نوسان به نسبت بالای این شاخص پس از انقلاب نیز تا سال ۱۳۶۲ ادامه داشته است. هر چند این شاخص در سال ۱۳۵۹

نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در طول ۴۰ سال

(فقیرترین) است و هر چه این نسبت بالا باشد نشان دهنده شکاف طبقاتی بیشتر است. این نسبت بدون واحد است.

همچنین ضریب جینی مناطق شهری کشور طی سال اخیر نشان می‌دهد که نابرابری توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ همواره بیش از ۰،۴۳۷۵ بوده است. این ضریب اول بار در سال ۱۳۵۹ به ۰،۴ رسیده است. هر چند تا سال ۱۳۶۳ این ضریب بار دیگر افزایش یافته ولی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۷ همواره در محدوده‌ای نزدیک به ۰،۴ نوسان اندکی داشته است.

به ۱۸،۲۵ کاهش یافته ولی در سال‌های اول جنگ این نسبت بار دیگر اوج گرفته است؛ اما از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۷ این نسبت با وجود تجربه نوسان‌هایی، در مجموع سیر نزولی طی کرده و به کمتر از ۱۳،۷۵ رسیده است.

روند این نسبت نشان می‌دهد که بیشترین کاهش سالانه آن به ترتیب طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ و نیز ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ به ثبت رسیده است. از جمله شاخص‌های سنجش شکاف طبقاتی، نسبت هزینه دهک دهم (ثروتمندترین) به دهک اول

برخلاف آنچه برخی افراد می‌گویند، کودکان کار گیلان از سوی هیچ گروهی ساماندهی نشده‌اند.

حسین احمد دوست به ایرنا افزود: خانواده‌های بیشتر این کودکان مهاجر هستند و بدلیل وضعیت بد معیشتی و اقتصادی برای کمک به درآمد خانواده به کار کردن می‌پردازند.

وی با بیان اینکه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد خانواده‌های کودکان کار در غیر اعتیاد هستند، به ویژگی‌های بیشتر خانوارهای آنان اشاره و اضافه کرد: این خانواده‌ها معمولاً پر جمعیت هستند و در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند و بنیه اقتصادی ضعیفی دارند که محصول کارکرد بد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند.

وی با بیان اینکه آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در دسترس نیست، گفت: دو نوع کودک کار آشکار و پنهان وجود دارد که تا کنون حدود ۱۴۰ کودک کار در رشت شناسایی شده است

وی تصریح کرد: از سال ۹۳، کارهای بسیار خوب حمایتی و آموزشی خانواده‌های آنان از سوی بهزیستی برای خانواده‌های آنان انجام شده اما این سازمان به تنهایی نمی‌تواند مشکل کودکان کار را حل کند. احمد دوست معتقد است کار کودک مسئله کودکان نیست، این مسئله بزرگسالان است که نتوانسته‌اند رفاه اجتماعی، شرایط مناسب، برابری و عدم تبعیض را بوجود آورند.

وی تصریح کرد: کار، خواست کودکان نیست و کودک تمایلی به انجام کار ندارد اما برای رفاه حداقلی خود و خانواده‌اش راهی به غیر از انجام کارهایی همچون دستفروشی، کارگری ساختمان و پادویی ندارد که این کارها آسیب‌های اجتماعی زیادی به همراه دارد.

وی با بیان اینکه متأسفانه بهزیستی تنها نهادی است که برای حمایت و رفع

کودکانی دارای خانواده‌های با مشکلات اقتصادی و دارای فقر فرهنگی و گریبان گیر با معضلاتی همچون بیکاری، اعتیاد و طلاق خوانند.

گلناز نظامی مدیرعامل یکی از مؤسسات خیریه نیز در رابطه با کودکان کار گفت: متأسفانه در بیشتر موارد از سوی پدرو مادر از این کودکان سوء استفاده می‌شود. وی به تجربه‌اش در همین رابطه اشاره و بیان کرد: در یکی از موارد که پدر نابینا بود و خانواده از نظر وسع مالی تنگدست بودند، بهزیستی خانهای برای آن‌ها ساخت و مبالغی هم به آنها تعلق می‌گرفت و ما نیز ماهیانه بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان کمک معیشتی به آن‌ها می‌کردیم اما متأسفانه پس از مدتی مشاهده شد که پدر و مادر فرزندانشان را اجبار به کار بیرون از منزل می‌کنند.

وی دستفروشی کودکان در سر چهار راهها را جزو کارهای لوکس کودکان دانست و گفت: پدیده کار کودک در هر حالی نگران کننده است؛ چرا که درصد آسیب‌های اجتماعی به آنان افزایش می‌یابد و اما نگران کننده تر از این دسته، کودکانی هستند که در مکان‌هایی همچون کارگاهها و یا روستاها کارهای سنگین می‌کنند اما دیده نمی‌شوند.

وی معتقد است بهزیستی و دادگستری باید نقش قانونی در اخذ تعهد و مجازات پدرومادریایی که از کودکان سوء استفاده می‌کنند، داشته باشد.

نظامی ادامه داد: در وهله بعد بایستی کودکان با نگاه مددکارانه شناسایی و با آن‌ها رفتار مناسب شود و سپس خانواده‌های آنان فراخوان و تلاش شود تا مشکلات آنان همچون فقر و بیماری با کمک مؤسسات خیریه حل شود.

رییس هیات مدیره یکی از سمن‌های استان که چهار سال است در رابطه با کودکان کار، فعالیت می‌کند، نیز گفت:



جمع آوری آن‌ها تنها برای مخدوش نشدن چهره شهر تنها پاک کردن صورت مساله است؛ اوقات فراغت تابستان شروع شده و وسوسه کار کردن این کودکان به امید بهبود شرایط و نیازها بیشتر و در صورت برخورد ماموران انتظامی و شهرداری زمینه روی آوردن آنان به کارهای سخت و پنهان بیشتر می‌شود.

باید طرحی نو در انداخت و این معضل را حل کرد تا دیگر شاهد برپادرفتن امیدها نباشیم و نه تنها با کمک به آن‌ها زندگی کودکان را نجات دهیم بلکه جامعه‌مان را از خطرات و آسیب‌هایی که به آن‌ها وارد و دوباره به جامعه بازگردانده می‌شود، مصون کنیم.

پس از ثبت این گزارش؛ مداوم این بیت در ذهنم تکرار می‌شود تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی.

نیست؛ آن‌ها همانند دیگر کودکان توانمند و با استعداد وحشی از نظر اخلاقی همانند همسالان خود هستند که بدلیل قرار گرفتن در شرایط نابرابر و ضعف بنیه اقتصادی خانواده مجبور به کار کردن می‌شوند.

احمدی دوست خاطرنشان کرد: نگاه مجرم به کودکان کار و برخورد با آن‌ها ممکن است زمینه بزه را در آینده برای آنان فراهم کند چرا که ورود به مکان‌های انتظامی و برخوردهای احتمالی با آنان امکان باز تولید آسیب را بوجود می‌آورد.

موضوع کودکان کار نباید فقط سوز و داستان تکراری شود که هر چند وقت یکبار دستمایه یک خبر و گزارش خبری شود، اما زمان حمایت عملی از آن‌ها هر کدام از نهادها با عنوان در حیطه وظایف نبودن مصوم‌ترین و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه را به فراموشی سپارند.

می‌شود که به مراتب آسیب‌های اجتماعی بسیار بیشتری را برای کودکان به همراه دارد. این کارشناس ارشد مشاوره خانواده و فعال و پژوهشگر حوزه اجتماعی راهکار خارج کردن کودکان از حوزه مشاغل را حمایت بیشتر دولت از خانواده‌های آنان دانست و گفت: معمولاً پدران این کودکان مشاغل سختی همچون کارهای ساختمانی را دارند که گاهی کار هست و گاه نیست که کودک مجبور به جبران می‌شود؛ از اینرو باید خانواده‌های آنان از جمله با بیمه کردن و افزایش دستمزد حمایت شوند.

این فعال اجتماعی اضافه کرد: باید کودکان کار شناسایی شده و یارانه خانواده آن‌ها افزایش یابد. وی تصریح کرد: آمار کودکان کار، کار کردن و مورد بی‌اعتنایی قرار گرفتن و گاهی با خشونت با آن‌ها برخورد شدن

مشکلات کودکان کار تلاش می‌کند، تصریح کرد: شهرداری‌ها موظفند ساختمانی را جهت حمایت از کودکان کار در اختیار بهزیستی قرار دهند. احمد دوست، برخورد و جمع آوری کار کودکان را عملی نادرست عنوان و تصریح کرد: راهکار حل مشکل کودکان کار جمع آوری نیست؛ کودکان کار مجرم نیستند؛ و این نوع دیدگاه همواره با شکست منجر شده است و موجب بی‌اعتمادی و بدبینی کودکان به نهادهایی می‌شود که باید امنیت این کودکان را تأمین کنند.

وی تصریح کرد: خوشبختانه طی چند سال گذشته بهزیستی با تغییر رویه خود و کارهای حمایتی توانسته اعتماد خوبی را برای کودکان کار بوجود آورد. وی خاطرنشان کرد: حذف صورت مسئله راهکار نیست و موجب گرایش خانواده‌های کودکان به کارهای پنهان

نگاهی به سیاست های اخیر آمریکا

سیاه چاله ترامپ



تلنگر

آمریکای دوره ترامپ خصمانه ترین سیاستها و مواضع را در قبال ایران در پیش گرفته و در این شرایط تصور پشت میز مذاکره نشستن با نمایندگان واشنگتن با اما و اگرهای انکارناپذیری روبرو است. آغاز دور تازه‌ای از گفت و گوهای دیپلماتیک با دولت آمریکا از جمله سناریوهایی بود که پس از اعلان (هیجدهم اردیبهشت ماه) «دونالد ترامپ» توسط برخی برای خروج از برجام مطرح شد.

از دید برخی ناظران هدف غایی رییس جمهوری آمریکا از این اقدام اصولاً فروپاشی توافق هسته‌ای و پایه ریزی چارچوب تازه‌ای از توافق با شرایط دلخواه وی بود تا ضمن تراج میراث سلف دموکرات خود، بدیلی چشمگیر را در برابر رقبای سیاسی به نمایش بگذارد و تبلیغاتی دهان پرکن را به راه اندازد.

با این حال و همچنان که اشاره شد در داخل کشور برخی روی گزینه مذاکره با آمریکا انگشت نهاده و آن را تصمیمی بهینه برای جلوگیری از هزینه‌ها و تهدیدات تشدید خصومت ورزی دولت ترامپ و بازداشتن وی از وضع تحریم‌های گوناگون نفتی، مالی، ترابری و... دانسته‌اند؛ گزینه‌ای که سخنگوی دولت در تازه‌ترین گفت و گو رسانه‌ای خود آن را نشانه آزادی سیاسی و بیان دیدگاه‌ها دانست اما تصریح کرد در حال حاضر زمینه‌ای برای آن وجود ندارد.

«محمدباقر نوبخت» در نشست خبری روز سه شنبه بیست و نهم خرداد ماه اظهار داشت: در خصوص امنیت ملی با کسی می‌توان مذاکره کرد که بپذیرد امنیت ایران را باید حفظ کند. با این حال وی نفس مذاکره را برای تأمین منافع ملی ایزاری مؤثر خواند و گفت در حال حاضر نیز دیپلماسی جمهوری اسلامی برای ریزنی با کشورهای اروپا فعال شده است.

مسئولان ارشد اجرایی کشور و به ویژه رییس جمهوری پس از پیمان شکنی آمریکا، در مورد مذاکره با این کشور بر این واقعیت تأکید دارند که چگونه می‌توان با دولت ناقض تعهدات کنونی در آینده به توافقی دست یافت.

بر اساس این واقعیت، نقض فاحش سندی جهانی و چند جانبه که مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل و جامعه بین المللی قرار گرفته و عبور از حقوق و هنجارهای موجود و نیز خواست طرف‌های توافق هسته‌ای با غلتک یکجانبه گرای، حداقل اعتماد لازم برای گفت و گو با آمریکایی‌ها را از میان برده و اساساً امکانی برای کاربرد ابزارهای دیپلماتیک در اختلافات تهران و واشنگتن وجود ندارد.

کمتر از دو هفته پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، وزیر امور خارجه این کشور ضمن تهدید به وضع شدیدترین تحریم‌های تاریخ

قطر و مصر پیرامون طرح موسوم به «معامله قرن» با سران این کشورها رایزنی داشته باشند.

روزنامه صهیونیستی «جرورالم پست»، در سرمقاله یکشنبه گذشته‌اش، به هدف واقعی طرح موسوم به صلح که طی روزهای آینده از سوی ترامپ اعلام خواهد شد، اشاره کرد. تارنمای الکترونیکی این روزنامه با ذکر این که پرده برداری از این طرح به زودی انجام می‌شود، نوشت: آنچه ترامپ دست به آن می‌زند شگفتی آور نیست، چون از زمان انتخاب به عنوان ریاست جمهوری آمریکا، نگاه‌ها را به طرحی برای صلح میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها دوخت و آن را «توافق نهایی» توصیف کرد.

جرورالم پست ادامه داد: این طرح طی چند ماهه گذشته عملی شده است، اما رییس جمهوری آمریکا و تیمی که او مأمور کرده است، همچنان بر سر زمان اعلام و چگونگی آن اختلافاتی دارند و با هم بحث می‌کنند. تیمی که جرورالم پست به آن اشاره کرده، متشکل از کوشنر، گرینبلات و «دیوید فریدمن» سفیر آمریکا در فلسطین اشغالی است.

در گزارشی هم که روز جمعه گذشته به قلم «مایکل ولنر» مدیر دفتر جرورالم پست در واشنگتن، منتشر شد به وجود اختلاف در تیم ویژه ترامپ به رهبری کوشنر اشاره شده بود. بر اساس این گزارش، کوشنر تمایل به تعجیل در اعلام طرح موسوم به صلح و پایان دادن به ماجراست، اما فریدمن با او مخالف است و سعی در تأخیر انداختن در اعلام این طرح دارد تا زمینه به طور کامل فراهم شود. نویسنده این روزنامه با بیان اینکه «فلسطینی‌ها اعتماد خود را به آمریکا از دست داده‌اند»، با یادآوری اظهارات «حمود عباس» رییس تشکیلات خودگردان که فریدمن را «توله سگ» توصیف و تأکید کرده بود که آمریکا نمی‌خواهد به صلح برسیم، نوشت: ارزش این طرح به مفاد و جزئیات آن است.

اما «هآرتس» دیگر روزنامه صهیونیستی نیز خبر داد که ترامپ از کشورهای خلیجی می‌خواهد که میلیون‌ها دلار برای بهبود وضع زندگی در باریکه «غزه» هزینه کنند. «عاموس هرائیل» تحلیلگر صهیونیست نویسنده این مقاله نوشت که ترامپ در تلاش است تا نیم میلیارد دلار از کشورهای عربی خلیج فارس برای اجرایی کردن پروژه‌های انسانی و اقتصادی در غزه تأمین کند.

وی افزود: دولت آمریکا در حال بررسی طرحی است تا در یک نیروگاه تولید برق در غزه و یک بندر تجاری در منطقه العریش سینا احداث کند تا در خدمت اهالی غزه باشد. بر اساس خبرها قرار است هیات آمریکایی در خلال سفر خود، این طرح را به کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی و قطر ارائه کند تا بخشی از «معامله

کوشنر؛ سرآشپز «معامله قرن» «دونالد ترامپ» رییس جمهوری آمریکا هیات ویژه‌ای متشکل از «جرد کوشنر» داماد و مشاور ویژه و «جیسون گرینبلات» فرستاده خود در مذاکرات به اصطلاح صلح راهی منطقه کرده است تا شرایط را برای رونمایی از طرح موسوم به «معامله قرن» فراهم کنند.

کوشنر، با ورود به امان پایتخت اردن با «عبدالله دوم» شاه این کشور دیدار و گفت و گو کرد. این سفر بلافاصله پس از سفر غیرمنتظره روز دوشنبه «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی به امان و دیدارش با شاه اردن، قابل توجه بود.

فرستاده ویژه ترامپ با شاه اردن، درباره وضعیت نوار غزه و روند به اصطلاح صلح میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی گفت و گو کرد.

قرار است فرستادگان رییس جمهوری آمریکا با سفر به فلسطین اشغالی، عربستان،

تشدید فشارها علیه ایران و اعلان برنامه زمانبندی آغاز تحریم‌ها، گام اصلی تقابل با تهران را برداشته و اینک به انتظار نتیجه بازی با نخستین کارت سوداگرانه برای امتیازگیری است و این در حالی است که هنوز عبار تحریم‌های آمریکا برای زمینگیر کردن ایران، چاره جویی و اقدامات متقابل جمهوری اسلامی و در نهایت واکنش و نوع بازی اروپایی‌ها و نیز چین و روسیه در این میان مشخص نیست.

در این شرایط، آغاز مذاکره با مقامات واشنگتن بدون تجدیدنظر در رویکردهای ترامپ می‌تواند به معنای برداشتن در مسیر آمریکا بوده و مطالبات سوداگرانه تازه‌ای را برای واداشتن تهران به عقب نشینی گام به گام در برابر واشنگتن مطرح سازد؛ وضعیتی که به معنای موفقیت کارت اول ترامپ بوده و احتمال ثمربخشی کارت‌های دیگر بازی وی را افزایش خواهد داد.

جمهوری آمریکا در برابر تهران دانست. ترامپ در فاصله کمتر از یک سال و نیم پس از ورود به کاخ سفید و تغییر دو مشاور امنیت ملی، «جان بولتون» یکی از تندروترین دیپلمات‌های آمریکایی را برای این پست کلیدی برگزید؛ چهره‌ای که به واسطه روابط نزدیک با گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) شدیدترین مواضع خصمانه را علیه جمهوری اسلامی ابراز داشته است.

تندرویی‌ها و مواضع خصمانه چهره‌هایی نظیر بولتون و پمپئو به گونه‌ای است که در مقایسه با آنان رویکردهای «جیمز متیس» وزیر دفاع و تنها مخالف اصلی خروج از برجام در کابینه بسیار منطقی‌تر به نظر می‌رسد. نکته قابل تأمل اینکه متیس در دوره «باراک اوباما» به دلیل پافشاری بر ایده ایجاد درگیری نظامی با ایران از مناصب نظامی خود کنار گذاشته شد.

آنچه مشخص است این که ترامپ با

علیه تهران و هشدار به شرکای تجاری و اقتصادی ایران، فهرستی از خواسته‌های واشنگتن را برای ایجاد توافق جدید اعلام کرد.

فهرست بلندبالای «مایک پمپئو» شامل مطالباتی برای تسلیم همه جانبه ایران و عقب نشینی از اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای و نیز خاتمه فعالیت‌های دفاعی نشان داد دولت ترامپ قصد و برنامه‌های عملی برای گفت و گویی منطقی با ایران را ندارد.

از دید برخی تحلیلگران، ترامپ کوشید با جدیت و حذف مخالفان خروج از برجام در کابینه خود، این پروژه را به انجام برساند تا علاوه بر تأمین خواست متحدان منطقه‌ای و تحقق شعار انتخاباتی توپ جدالی ماجراجویانه و معامله گرانه را به زمین ایران بیاورد.

در وضعیت کنونی ترکیب کابینه ترامپ را می‌توان نمودی از آرایش تهاجمی رییس

فرصت و تهدید جریان اصولگرایی

نیاز به خانه تکانی

و جرقه بازبینی در اهداف و استراتژی‌های سیاسی قلمداد شود. به دیگر سخن، این شکست‌های متوالی گرچه در دوران خود تهدیدی برای حیات اصولگرایی به شمار می‌رفت اما در برهه کنونی می‌توان از آن به عنوان فرصتی برای جبران از دست رفته‌ها بهره برد. این فرصت بهره برداری اما منوط و مشروط به رعایت قواعدی است که عقلا و ایدئولوگ‌های اصولگرا باید با درک آن به بازبینی و بازشناسی

اصولگرایان دشوار شود. این دشواری در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و شوراهای شهر و روستای پنجم به اوج رسید و با انتخاب مجدد روحانی به ریاست جمهوری و پیروزی قاطع جریان رقیب در انتخابات شوراهای شهر تهران، این افول به شکلی مشهود به وقوع پیوست.

در حوزه سیاست ورزی جوامعی مانند ایران اما این افول به معنی پایان کار سیاسی نیست و چه بسا می‌تواند آغازگر

سال ۹۲ آغاز شد. نتیجه صف آرای پنج اصولگرا از طیف‌های مختلف این جریان در برابر حجت الاسلام «حسن روحانی» پیروزی شیخ دیپلمات در انتخابات را رقم زد و این آغاز کم‌سویی هرساله ستاره اصولگرایی در سپهر سیاست ایران بود.

دو سال بعد آن‌ها کرسی‌های مجلس دهم در مهم‌ترین حوزه انتخابیه یعنی تهران را با نتیجه سی بر صفر به اصلاح طلبان لیست امید باختند تا شرایط برای



بیشتر در سطح نخست قدرت را دستور کار دارند. هرچند در مسیر این اثربخشی با چالش‌های بسیاری روبرو هستند اما به همان میزان هم می‌توانند از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود بهره برده و بار دیگر به انتخاب نخست مردم تبدیل شوند.

افول ستاره اقبال اصولگرایان از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و در خرداد

هماهنگ سازی باشد. تحولات دو دهه گذشته در عرصه سیاست ایران، جریان محافظه کار این عرصه یعنی اصولگرایان را گاهی به اوج حضور در قدرت و گاهی به حسیض انزوا رسانده است. با تمام فراز و فرودها اصولگرایان هم مانند دیگر جریان‌های سیاسی رقیب تمهید و تدارک برای حضور و اثربخشی

اشاره

جریان‌های سیاسی برای رسیدن به سطح نخست گزینش مردم باید به بازبینی استراتژی و تاکتیک‌های سیاست ورزی خود اهتمام ورزیده و خود را با تغییرات نه چندان کند در بطن زندگی مردم هماهنگ کنند. اصولگرایان هم از این قانون مستثنی نیستند و شاید تلاش‌های منتقدانه برخی از آن‌ها در راستای همین



مواجهه شود.

تضمین کشورها در زمینه پذیرش اتباع خود پس از صدور دستور اخراج آن‌ها، بند دیگر طرح ترامپ است.

ترامپ می‌تواند کشورهایمانند چین که از پذیرش اتباع اخراج شده‌شان از آمریکا امتناع می‌کند را تحت فشار دیپلماتیک بگذارد اما این امر پیامدهای دیپلماتیک گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت.

بند دیگر این طرح مربوط به تکمیل سیستم پیگیری بیومتریک ورود و خروج در رواید است. این قانون در زمان «بیل کلینتون» مطرح شد اما تا کنون به اجرا در نیامده است.

برنامه ریزی و راه‌اندازی این سیستم مستلزم تخصیص بودجه‌ای کلان برای جمع‌آوری و ذخیره اطلاعات بیومتریک نظیر اثر انگشت دارندگان رواید به آمریکا است. برخی کارشناسان معتقدند، امکان عملی شدن این سیستم نیست.

حذف جذبه شغل و مزایا برای مهاجران، بندی دیگر از بندهای ۱۰ گانه طرح مهاجرتی ترامپ است. ترامپ برای کسب اختیارات در زمینه ایجاد پایگاه اطلاعات ملی موسوم به راستی‌آزمایی الکترونیکی که امکان بررسی وضعیت استخدام مهاجران را بررسی کند، به تصویب کنگره نیاز دارد. تا زمانی که یک سیستم راه‌اندازی نشود، با اتکای صرف به آمار و ارقام جعلی رسانه‌ها مجازات کارفرمایانی که ندانسته مهاجران فاقد مدرک بسیار دشوار است.

بند آخر دستورالعمل مهاجرتی رییس جمهوری آمریکا، اصلاح مهاجرت قانونی به منظور خدمت به منافع آمریکا و کارکنانش است. وزارت کار، امنیت داخلی و دادگستری می‌توانند تحقیقات درباره کارفرمایان مظنون به سوء استفاده از برنامه‌های رواید را افزایش دهند. این برنامه‌ها به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا کارگران خارجی را با دستمزدی پایین‌تر از کارگران آمریکایی جذب کنند. چنانچه ترامپ در رابطه با لغو این روایدها زیاده روی کند، با چالش‌های صناعی مواجه خواهد شد که به این برنامه‌ها متکی هستند.

رییس جمهور آمریکا که اخیراً با اعلام سیاست جدید مهاجرتی خود مبنی بر جدا کردن کودکان از والدین پناهجوی خود، جنجال زیادی در آمریکا و در مجمع بین‌المللی به راه انداخت، دوشنبه در دفاع از خود گفت، آمریکا کمپی برای مهاجران یا محلی برای اسکان پناهجویان نیست و نخواهد بود.

هیلاری کلینتون، رقیب دمکرات ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۳ آمریکا، سیاست مهاجرتی ترامپ درباره جدا کردن فرزندان از والدینشان در مرز مکزیک با آمریکا را بحران اخلاقی و بشری خواند.

برای ارائه گزارش درباره مهاجران به مأموران فدرال تحت فشار نخواهند گذاشت. لغو دستورات اجرایی خلاف قانون اساسی و اجرای قوانین مهاجرتی نیز از مفاد طرح ترامپ است. ترامپ از قدرت لغو دستورات قوه مجریه مانند DACA برخوردار است. این دستور اجرایی باعث رفع موقت دغدغه اخراج برای بیش از ۷۰۰ هزار مهاجری می‌شود که به عنوان کودک، غیرقانونی به آمریکا آورده شدند.

اجرای همه قوانین مهاجرتی مستلزم آن است که ترامپ ۱۱ میلیون مهاجری را که بطور غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند، اخراج کند. این امر خود نیازمند افزایش قابل توجه تأمین مالی افزایش نیروی کار و قضات به منظور اجرای قانونی روند اخراج این ۱۱ میلیون مهاجر است. اخراج این مهاجران که سال‌ها در آمریکا زندگی می‌کنند، چالشی لجستیک است و می‌تواند واکنش شدید عمومی را به دنبال داشته باشد. توقف صدور رواید در مناطقی که بازرسی مناسبی ندارند نیز در راستای سیاست‌های مهاجرتی ترامپ است.

همانند اعلام ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا، هدف این سیاست، مهاجرانی از کشورهای جنگزده ای مانند سوریه و عراق است. طبق این قانون، ترامپ می‌تواند بطور یکجانبه صدور رواید برای افراد، گروه‌ها و مردمی را متوقف کند که برای منافع آمریکا مضر به نظر می‌رسند. این سیاست که ظاهراً تبعیضی برای هیچ‌یک از مناطق قائل نشده است، می‌تواند در دادگاه با چالش‌هایی

آزادی آن‌ها تا زمان رسیدگی به پرونده‌شان در دادگاه، بند دوم طرح ترامپ است. ترامپ با تغییر رویه یاد شده در نهایت می‌تواند سیاست‌ها را تغییر دهد اما اجرای کامل این کار نیازمند وجود زندان‌های بیشتر قبل از صدور رأی قاضی است. در حال حاضر، پانصد هزار پرونده معوق در دادگاه‌های مهاجرت خاک می‌خورد و رأی اخیر دادگاه‌ها او را از بازداشت بیش از ۲۰ روز کودکان به همراه والدینشان منع می‌کند.

مدارا نکردن و برنتافتن بیگانگان مجرم، بخش دیگری از این طرح است. دولت «باراک اوباما» اخراج مهاجران مرتکب جرائم خطرناک را در اولویت قرار می‌داد. ترامپ در تلاش است تا این تعریف را به کسانی که در رده بیگانگان جاینتکار قرار می‌گیرند، بسط دهد و اخراج آن‌هایی را که دستور اخراج برای آن‌ها صادر شده است، سرعت بخشد. به هرحال، این کار نیز نیازمند تخصیص بودجه و نیروی بیشتر به دادگاه‌هاست.

ترامپ تهدید کرده است که بودجه شهرهای محل استقرار مهاجران از جمله شیکاگو و لس آنجلس را قطع می‌کند. مأموران قانون این شهرها حضور مهاجران بدون مدارک را به مقامات فدرال اطلاع نمی‌دهند. هرچند ترامپ از قدرت قطع بودجه این شهرها برخوردار است اما شهرداران این شهرها اعلام کردند که مأموران قانون را

در برابر طرح آمریکا سکوت کنند. به قول معروف محور آمریکایی-اسرائیلی به مرگ گرفته‌اند تا فلسطینیان به تب راضی شوند. سران و رهبران آزاده جهان همواره پیرامون اجرای شدن طرح شوم معامله قرن هشدار داده‌اند و فلسطینیان و جنبش‌های مقاومت نیز تأکید کردند که زیر بار ذلت پذیرفتن آن نمی‌روند.

ترامپ و چالش طرح‌های ضد مهاجران
دونالد ترامپ یک ماه پس از انتخاب به عنوان رییس جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶ (آذر ۱۳۹۵)، از طرح ۱۰ ماده‌ای به عنوان شالوده سیاست مهاجرپذیری آمریکا در دوران ریاست جمهوری‌اش خبر داد که از همان ابتدا تا کنون با انتقادهای شدیدی همراه بوده است.

بند اول این طرح، ساخت دیوار در مرز شرقی این کشور یا همان مرز آمریکا و مکزیک است. ترامپ با استناد به «قانون حصار امنیتی» مصوب ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) خواستار ساخت این دیوار مرزی شد. این کار مستلزم تصویب بخش مالی ساخت دیوار می‌باشد که حدود ۲ هزار مایل است. البته، چالش‌های لجستیکی این کار را نباید از نظر دور داشت. برخی مناطق این مرز تحت مالکیت خصوصی قرار دارد.

گرچه ترامپ در مبارزات انتخاباتی‌اش گفته بود که مکزیک باید هزینه ساخت این دیوار را بپردازد اما این مساله پس از انتخابات ریاست جمهوری در سایت او مطرح نشده است.

خاتمه رویه بازداشت مهاجران و سپس

سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸» تأیید کرد و نوشت که امارات توسط تاجری نزدیک به «محمد بن زاید» ولیعهد خود، با خریداری خانه‌های فلسطینیان در شهر قدس آن‌ها را به صهیونیست‌ها واگذار می‌کند. این پایگاه فاش کرد که این تاجر گاهی تا ۲۰ میلیون دلار برای این منازل می‌پردازد.

از سوی دیگر مقام‌های حماس اعلام کردند که در اوج برگزاری راهپیمایی‌های بازگشت در غزه، مصر پیام فرستاده تا آن‌ها این تظاهرات را پایان دهند تا مرز رفح به غزه بازگشایی کنند.

یکی دیگر از مفاد معامله قرن که برای پایان دادن به مساله فلسطین اجرا خواهد شد، اعطای تابعیت به فلسطینیان در کشورهای عربی به همراه شغل به آنان است که از سوی فلسطینیان همواره رد شده و آن‌ها تأکید کردند که کشورشان را رها نمی‌کنند. دیگر ماده معامله قرن، به رسمیت شناختن کشور فلسطین است با این شرایط که آن‌ها دولتشان را در بخش‌هایی از صحرای سینا در مصر و غزه برپا کنند.

ناظران سیاسی معتقدند که آمریکایی‌ها متوجه شده‌اند فلسطینیان کشورشان را رها نمی‌کنند تا به کشور دیگری بروند، از این رو، تلاش کوشتر و هیات آمریکایی برای جلب سرمایه‌گذاری رژیم‌های عربی برای بازسازی غزه به خاطر این است که محدود‌های را به آنان اختصاص دهند که فلسطین باشد و با ایجاد امکانات رفاهی، باعث شوند مردم خسته از حدود یک قرن اشغالگری و یازده سال محاصره همه‌جانبه،

قرن» اجرایی شود. پس از اینکه دونالد ترامپ در زمان تبلیغات انتخاباتی خود وعده عملی کردن مصوبه کنگره درباره انتقال سفارت کشورش از تل آویو به بیت المقدس را داده بود، در روز ۱۵ آذر سال ۹۶ به طور رسمی بیت المقدس را پایتخت رسمی رژیم صهیونیستی اعلام کرد.

پس از آن با وجود هفته‌ها اعتراض فلسطینیان در غزه و سرزمین‌های اشغالی و اعتراض آزادگان جهان، در سکوت همراه با رضایت رژیم‌های عربی، روز ۲۴ اردیبهشت و در آستانه هفادمین سالگرد نکبت یعنی اشغال فلسطین و تأسیس رژیم صهیونیستی، مراسم رسمی انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به ساختمان کنسولگری آمریکا در محله «ارنون» در قدس اشغالی برگزار شد.

همزمان، ۷۶ کیلومتر آن سوتر در مرزهای شرقی غزه با فلسطین اشغالی، مردمی که برای هفتمین هفته تظاهراتی بزرگ با نام «بازگشت» را ترتیب داده بودند، با دستانی خالی از سلاح گرم و تنها با آتش زدن لاستیک و پرتاب سنگ، به موانع امنیتی کار گذاشته شده توسط صهیونیست‌ها نزدیک شدند، اما پاسکشان گلوله‌های جنگی، بمب‌های آتش‌زا و گازهای دودزا و خفه‌کننده بود.

بر اساس گزارش وزارت بهداشت فلسطین، فقط در آن روز ۶۱ تن بر اثر حملات نظامیان تا دندان مسلح صهیونیست به تظاهرات کنندگان، به شهادت رسیدند و بیش از ۲۵۰۰ نفر دیگر زخمی شدند. در میان شهدا هم خبرنگار با جلیقه ضدگلوله خبرنگاری بود و هم کودک چندماهه و هم جوانی که شب قبل از آن ازدواج کرده بود.

همه اینها اتفاق افتاد اما سران رژیم‌های عربی نه تنها سکوت کردند که قبل و بعد از آن یا مانند وزیر خارجه بحرین سخن از حق اسرائیلی‌ها برای دفاع! زدند یا مانند «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی، کشور و دولت جعلی صهیونیستی را به رسمیت شناختند. همزمان طی ماه‌های اخیر، برخی تجار عرب، با سرعت و البته در توطئه‌ای پنهانی خانه‌های اهالی قدس بویره در محدوده نزدیک به مسجدالاقصی را با قیمت‌های چندمیلیون دلار خریداری می‌کنند.

«سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب الله لبنان، در سخنان خود به مناسبت روز جهانی قدس با اشاره به این توطئه، گفت: برخی اعراب و کشورهای خلیج فارس برای خرید خانه از اهالی قدس پول می‌فرستند و تاجران خائن عرب خانه‌های فلسطینیان را برای صهیونیست‌ها خریداری می‌کنند.

این خبر را یک روز بعد پایگاه خبری «الخلیج الجدید» به نقل از «کمال الخطیب» نایب رییس «جنبش اسلامی در

راه و روش‌های نو برای اثرگذاری در مسیر پیشرفت سیاسی اقدام کنند. مهم‌ترین شرط این بازشناسی، بازگشت مقتدرانه به بطن جامعه ایران است. بازشناسی عمیق تغییراتی غیرقابل انکار، گسترش میدان این بازشناسی به تمام اقشار جامعه، پذیرفتن شکست‌های پیشین و تعیین رسالتی متناسب با دغدغه‌های جامعه برای آینده. دوری از جامعه و تغییرات روی داده در متن زندگی و تفکر مردم مهم‌ترین تهدیدی است که جریان اصولگرا هم با آن مواجه بوده و هم با تداوم شرایط کنونی بازم با آن دست به گریبان خواهد بود. رجوع دوباره به مردم جامعه ایران در دهه ۹۰ نشان می‌دهد که نوع دغدغه‌ها، سطح تفکر و شیوه زندگی آن‌ها تغییرات محسوسی را حتی نسبت به یک دهه پیش داشته است و این تغییرات گرایش سیاسی و اجتماعی آن‌ها را دگرگون کرده است. پیشبرد استراتژی سیاسی در قالب این تغییرات می‌تواند ظرفیت گسترده‌ای

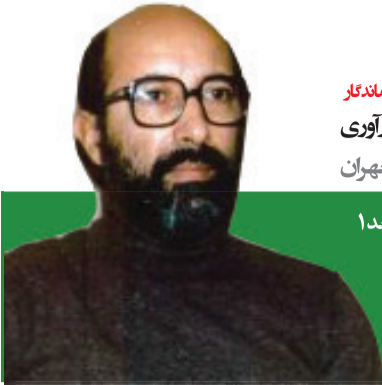


معیارهای رهبری را دارد و به دغدغه‌های جامعه مسلط است فرصتی است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت.

آورد ندارند. این موضوع در ظاهر به عنوان پاشنه آشیل اصولگرایی هم در نظر گرفته می‌شود اما در صورت رسیدن به اجماع بر فردی که مقبول تمام طیف‌هاست،

به نتیجه مطلوب و مشترک نرسند. در ریاست جمهوری پیشرو هم تکرار خواهد شد اگر عقلای اصولگرا بر سر یک پارادایم مشخصی درباره شرایط کاندیدای واحد

این تهدید همچنان در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری پیشرو هم تکرار خواهد شد اگر عقلای اصولگرا بر سر یک پارادایم مشخصی درباره شرایط کاندیدای واحد



● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
● سردبیر: امیر حسین مصلی
● تلگرام: @ayatemandegar
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir
● آدرس: تهران - خیابان سنول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲- واحد ۱
● تلفن: ۸۸۹۸۶۱۴۹
● چاپ: نقش افست گرافیک
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

حرف آخر

حمایت از کالای ایرانی در گرو ارتقای کیفیت



بهرام پارسی
نماینده شیراز در مجلس دهم

طبیعی است که حمایت از کالای ایرانی باید صورت بگیرد و در کنار آن باید حقوق مصرف‌کنندگان هم توسط تولیدکنندگان رعایت شود. یعنی کالای تولیدی باید دارای کیفیت و توان رقابت با مشابه خارجی خود داشته باشد و اگر چنین کالایی در داخل تولید و عرضه شود با استقبال مردم روبرو خواهد شد. امروز نیاز است که بیشتر روی به تولید کالاهایی بیاوریم که با تجربه و علم آن داشته و در دنیا بیشتر شناخته شده هستیم یا بیش از پیش نیازهای داخلی را تامین کنیم و یا از فروش بیش از اندازه خام فروشی کشور جلوگیری کنیم.

قرار نیست همه کالاها را در کشور تولید کنیم و بهتر است در بخش‌هایی که توان بیشتری داریم روی به تولید بیاوریم تا جنس استاندارد و با کیفیت تحویل مردم دهیم نه اینکه در بسیاری از حوزه‌ها تولید داشته باشیم و مرتباً کارهای نه‌چندان مرغوب در بازار عرضه کنیم. زمانی که کالای با دوام و قابل تایید توسط تولیدکنندگان ارائه شود هم مردم روی به خرید می‌آورند و هم باعث ایجاد اشتغال پایدار در کشور می‌شود.

اگر از کالایی که توان رقابت نداشته باشد و مورد استقبال جامعه قرار نگیرد حمایت شود مطمئناً اشتغالی را هم که ایجاد می‌کند ناپایدار است. اکنون برای حمایت از کالای ایرانی به اندازه کافی قانون داریم حال شاید نیاز به اصلاح در این رابطه باشد اما بی‌تردید با کمبود قانون روبرو نیستیم.

هرچند حمایت از تولیدکنندگان داخلی را لازم و ضروری می‌دانم اما تولیدکنندگان باید بدانند که مردم خواهان کیفیت هستند و آن‌ها باید هم و غم خود را برای افزایش و ارتقای کالای تولیدی خود به خرج دهند تا مردم هم با اطمینان بیشتر روی به خرید بیاورند.

حمایت از حقوق مصرف‌کننده همیشه به عنوان یک اصل مطرح است و برای اینکه شعار سال ۹۷ که حمایت از کالای ایرانی است تحقق یابد نیاز به کار جهادی توسط تولیدکنندگان و البته حمایت همه جانبه دولت است. اگر دولت بخواهد روال گذشته را دنبال کند و تغییر خاصی در سیاست‌های اقتصادی خود بوجود نیاورد خیلی نمی‌توان به ایجاد یک میلیون و سی و سه هزار شغل امیدوار بود ولی امیدوارم مسئولین دولتی کمی بیشتر از گذشته به شرایط اقتصادی کشور توجه کنند و با اتخاذ تصمیمات درست و منطقی فضایی را ایجاد کنند که ان‌شا... شاهد اشتغال‌زایی مخصوصاً برای جوانان ایران باشیم.

امروز برای موفقیت اقتصادی در کشور لازم است که تصمیم‌گیران این حوزه مشخص باشند و آن‌ها به کار جهت دهند نه اینکه از چند منبع تصمیماتی گرفته شود. از طرفی بخش عمده‌ای از رونق اقتصادی کشور در گرو تعاملات ما با دنیا است که در این رابطه نقش دستگاه دیپلماسی ایران بسیار کلیدی است.

منبع: رویداد ۲۴

کارتی

علی رونقیان
کارتونیست



بدون شرح!

شعرخوانی

حور گویند نژاد بچه باور نکند
کیست آن مه نه اگر بچه ی حورالعین است
ای که گویی که تورا دینی و آیینی نیست
عاشقی دین من و مهر بتان آیین است
گفتم اول چو کبوتر کمش زود شکر
دیدم آخر که کبوتر منم او شاهین است
ای که گفتی که چرا دین به نکوبان دادی
اولین تحفه ی عشاق به خوبان دین است

آن نه روی است که یک باغ گل و نسرين است
وان نه خال است که یک چرخ مه و پروین است
شادایی راکه غمی هست ز بی شادی نیست
شادمان حالی از اینم که دلم غمگین است
مگس آنجا که لب توست گریزد ز شکر
تلخش آید شکر از بس که لب شیرین است
عاشقان خسته ی مژگان دو چشم سیه اند
زخم آن قوم نه از تیغ و نه از زوبین است
چون خرامی تو خلاق همه گویند به هم
آن بهشتی که خدا وعده نمودست این است
بت من چین به جبین دارد و حیرانم از این
که بود چین به صنم یا که صنم در چین است؟

قائنی شیرازی



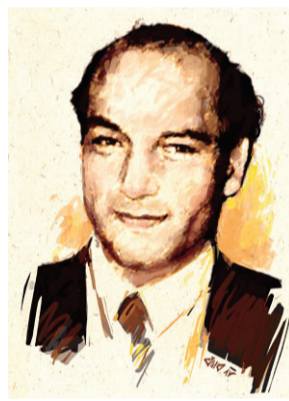
تراژدی تاریخی را رقم زدند! آنچه ما را از درک و فهم این داستان غم‌انگیز عاجز می‌کند این است که چرا انسان هرچه متمدن‌تر و عالم‌تر می‌شود از نظر اخلاقی و انسانی ضعیف‌تر و کمرنگ‌تر می‌گردد؟ و آیا واقعا دانشمندان و روشنفکران برای هدایت و اصلاح انسان متمدن بی‌اخلاق راهکارهایی را اندیشیده‌اند؟



بیشتر را بر روی کره خاکی بوجود آورد. نکته بسیار عجیب و غم‌انگیز زندگی بشر این است که انسان علیرغم این همه پیشرفت در علوم مختلف و وجود پیامبران و کتاب‌های اخلاقی زمینی و آسمانی و حضور مصلحین و دانشمندان که تعداد آن‌ها کم هم نبوده، هرگز به راه اخلاق، عدالت، رفا، آسایش، صلح و دوستی رهنمون نشده و هرچه بشر متمدن‌تر می‌شود به همان میزان درنده‌تر و متجاوزتر می‌گردد که نمونه‌های بارز آن امروز در گروه تروریستی داعش به وضوح قابل رویت است که تعداد زیادی از اعضای آن از سرزمین‌های متمدن غرب به خاورمیانه سرازیر شدند و آن

یادواره

گذری در زندگی دکتر شریعتی هبوط در غربت



سال ۱۳۴۸ را باید سالی مهم در تاریخ زندگی دکتر علی شریعتی و در تاریخ حوادث و رویدادهای سال‌های اخیر وطنمان به شمار آورد. در این سال است که درهای حسینییه ارشاد به عنوان یک مرکز فرهنگی اسلامی، به روی همه مردم و بخصوص جوانان گشوده می‌شود و بعد از سال‌های دراز سکوت و سکون موج دوستداران علم و جویندگان حقیقت به سوی این محفل سرازیر می‌گردد. در این محل است که دکتر علی شریعتی با قدرت و نیروی کم نظیری هر هفته ساعت‌ها به گفتار می‌نشیند و در مباحث مختلف سخن می‌گوید.

علی شریعتی با کنجکاوی و دیدی وسیع از یکسو به تجزیه و تحلیل تاریخ و وطنش، تاریخ جهان اسلام، چهره‌های مقدس و شخصیت‌های بزرگ اسلام پرداخت و از سوی دیگر با ظرافت و بینشی خاص به توجیه چگونگی حیات جامعه کنونی و وطنش، ضعف‌های آن، نابسامانی‌ها، پریشانی‌ها و بالاخره جنبه‌های انحطاطی آن اقدام نمود و با شجاعتی کم نظیر کوشید تا مردم و بخصوص نسل جوان را از واقعیت‌های دردناک سرزمین خویش آگاه کند و جامعه هویت از کف داده و وطنش را با اصالت‌های فرهنگ خویش آشنا سازد.

سرانجام روز یکشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ فرا رسید. در آن روز دوستان دکتر علی شریعتی ضمن آنکه شاهد سیمای آرام و لبخند صمیمی و همیشگی او بودند، به خوبی احساس می‌کردند که نوعی شادی توأم با انتظار و تشویش وجود آن مرد بزرگ را در بر گرفته است.

علی، رطوبت بازمانده از اشکهای فشانده بر گونه‌های فرزندان دلبنده را در هنگام بوسیدن آن‌ها احساس کرده و سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ دکتر شریعتی به طرز مرموزی دیده از جهان فرو بست و چراغ پر فروغ زندگی پربارش در زمانی که می‌رفت تا از آن پس در اوج پختگی و توانایی فکری و عملی سالیان دراز به خلق آثار شگرف بپردازد و به ملت و سرزمین و فرهنگ خویش صدقانه خدمت کند، خاموش گشت و یاران وفادارش را در غم از دست دادن عزیز بی‌چون او سوگواری ساخت.

سرمقاله

تاریخ زندگی بشریت همانند یک خط ممتد سیاه و تیره است که نقاط روشنی بر روی آن خودنمایی می‌کند. تیره‌گی‌ها و تاریکی‌های زندگی بشر از نقاط روشن آن به مراتب بیشتر است. بشر در طول تاریخ، همواره در جنگ و خونریزی و ظلم و بی‌عدالتی گذران کرده و تنها در برهه‌هایی کوتاه، نقاط روشن و نشانه‌هایی از زندگی نسبتاً مرفه، با عدالت و برابری را به خود دیده است. حال اگر این پیش فرض را قبول داشته باشیم که حتماً از نظر علمی، پژوهشی و آماری هم قابل اثبات است این سوال بزرگ همواره در پیش‌روی انسان خواهد بود که چرا تاریخ زندگی بشر پر از تراژدی و غم و اندوه است و تنها نقاط کمی از آن روشن و شادابی بخش است؟ شاید پاسخ این سوال مهم این

یادآوری

اگر با خودمان دوست نباشیم چه می‌شود؟



محمدحسن سرانی
نویسنده



یکی از اصول اولیه و بسیار مهم در ارتباط با دیگر انسان‌ها انجام برخورد احترام‌آمیز و شایسته می‌باشد. هرچه برخورد ما شایسته‌تر و موجه‌تر باشد طرف مقابل احساس ارزشمندی بیشتری می‌کند و همچنین برای ما نیز ارزش بیشتری قائل خواهد شد. اما شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که برای دوستان و آشنایان احترام زیادی قائل می‌شوید و به آن‌ها محبت دارید ولی آن‌ها در مقابل شما به دریاقت نمی‌کنند، با اینکه در مواقع سختی و گرفتاری برای خیلی از دوستان و آشنایان خود کمک حال هستید اما درست در زمانی که شما در سختی گرفتار می‌شوید آن‌ها در مقابل شما از ارائه کمک طفره می‌روند و هیچ وقت آن‌ها را برای دیگران دلسوز هستید و مهربانی به خرج می‌دهید از طرف مقابل دلسوزی و مهربانی نمی‌بینید، آیا با خودتان فکر کرده‌اید که علت این امر چیست؟ اصلاً چرا گاهی جواب خوبی‌ها و مهربانی‌های شما آن‌طور که توقع دارید به شما برگشت داده نمی‌شود و شما را از ادامه ارتباط با دوستان خودتان دلسرد می‌کند؟

یک حقیقت بسیار جالب وجود دارد، واقعیت این است که شما قبل از اینکه به دیگران محبت کنید باید نگاه‌های خودتان ببینید و ببینید رابطه شما با خودتان چگونه است؟ چقدر خودتان را دوست دارید و به خودتان احترام می‌گذارید، احترام ویژه شما به خودتان باعث می‌شود ناخودآگاه دیگران نیز با دیدن چنین صحنه‌هایی به شما احترام بگذارند و بهتر است بگوییم که نحوه ارتباط شما با خودتان تعیین‌کننده این موضوع است که دیگران باید برای شما چقدر احترام و ارزش قائل شوند. کسی که در طول زندگی مدام خودش را سرزنش می‌کند و مدام خودش را در گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی در منظر چشم دیگران مورد هجمه قرار می‌دهد و با بدهنی به خود و خانواده‌اش بی‌احترامی می‌کند قطعاً نمی‌تواند توقع محبت و دوستی و احساس ارزشمندی از سوی دیگران را داشته باشد، حال هرچند که محبت او به دیگران بی‌حد و مرز باشد.

حالا دوست عزیز اگر من و شما با خودمان دوست نباشیم مطمئن باشید که در ارتباط با دیگران به مشکل خواهیم خورد، در برخورد‌ها هیچ وقت احساس ارزشمندی را تجربه نخواهیم کرد، از نداشتن اعتماد به نفس رنج خواهیم برد، و شاید هزاران مشکل دیگر. پس بیایید با خودمان دوست باشیم، خودمان را احترام کنیم، برای خودمان ارزش قائل باشیم، هیچگاه خودمان را دست کم نگیریم تا دیگران نیز ما را از احترام و عزتی سرشار کنند که آغازگرش خودمان بوده‌ایم.